درک متن

داستان زیر را بخوان و به سوال مطرح شده پاسخ بده.

می‌گویند در کشور ژاپن مرد میلیونری زندگی می‌کرد که از درد چشم خواب نداشت و برای مداوای چشم دردش انواع قرص‌ها و آمپول‌ها را به خود تزریق کرده بود اما نتیجه نداشت. وی پس از مشاوره فراوان با پزشکان و متخصصان و نگرفتن نتیجه، نزد یک راهب شناخته شده رفت. راهب پس از معاینه وی به او پیشنهاد کرد به مدتی به هیچ رنگی بجز رنگ سبز نگاه نکند.

وی پس از بازگشت از نزد راهب به تمام مستخدمین خود دستور می‌دهد با خرید بشکه‌های سبز تمام خانه را رنگ‌آمیزی کنند. همین طور تمام اسباب و اثاثیه خانه را با همین رنگ عوض کنند. پس از انجام تمام این کارها چشم درد او هم بهتر می‌شود. پس از مدتی مرد راهب را برای تشکر به خانه‌اش دعوت می‌کند. وقتی راهب وارد خانه‌ی او می‌شود متوجه می‌شود که باید لباس نارنجی خود را با لباس سبز عوض کند. وقتی به نزد صاحب خانه می‌رود از او می‌پرسد آیا چشم‌دردش خوب شده؟ مرد ثروتمند هم تشکر می‌کند و می‌گوید بله. اما این گران‌ترین مداوایی بود که تاکنون انجام داده بودم. مردم راهب با تعجب به بیمارش می‌گوید که برعکس این ارزان‌ترین نسخه‌ای بود که تاکنون نوشتم . برای مداوای چشم‌تان فقط کافی بود عینکی با شیشه‌ی سبز رنگ می‌خریدید و نیازی به این همه خرج کردن نبود.

سوال: از این داستان چه نتیجه‌ای گرفتی آن را بنویس.

درس آزاد فارسی؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی